

نقد خرده‌فرهنگ جوانان در داستان زال و رودابه

محمود حکم آبادی*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران

علی اصغر بشیری**

پژوهشگر و دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵)

چکیده

خرده‌فرهنگ، بخشی از فرهنگ است که از یک سو با فرهنگ حاکم جامعه پیوستگی دارد و از سوی دیگر، در برخی از جزئیات با آن در تضاد است، اما این تضاد تا آنجایی نیست که منجر به ایجاد ضدفرهنگ و یا فرهنگ کج‌روی شود؛ بلکه این انحراف از فرهنگ اصلی جامعه برای گرفتن امتیازاتی از فرهنگ مسلط است که گاهی با قدرت چانه‌زنی به دست می‌آید. در نظریه‌های جامعه‌شناسی از خرده‌فرهنگ جوانان یاد شده و بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند، زمانی که تعدادی از جوانان در نوع رفتار و یا پوشش و حتی گفتار و تفکرات خود با فرهنگ کلی جامعه، تفاوت‌هایی را از خود بروز دهند و در این تفاوت‌ها پافشاری کنند، آن را باید ذیل خرده‌فرهنگ جوانان بررسی کرد. در شاهنامه فردوسی در بخش پادشاهی منوچهرشاه، تلاش زال و رودابه را برای ازدواج با هم می‌توان مهم‌ترین خرده‌فرهنگ جوانان در شاهنامه تلقی کرد. هر دو نفر در جامعه و فرهنگی که به آن تعلق دارند با مخالفت‌هایی جدی برای ازدواج مواجهند. نحوه برخورد زال و رودابه با مخالفت‌های اطرافیان و نوع امتیازگیری آنان از فرهنگ جامعه خود در این مقاله از دید نظریه خرده‌فرهنگی، بررسی شده است.

واژگان کلیدی: خرده‌فرهنگ، فرهنگ، شاهنامه، زال، رودابه.

* نویسنده مسئول) E.mail: m.hokmabadi98@yahoo.com

** E.mail: aliasgharebashiri@gmail.com

مقدمه

۱. بیان مسأله

یکی از مباحث مهم در حوزه جامعه‌شناسی، بحث از فرهنگ و خرده‌فرهنگ است. گویا نخستین تعریف از فرهنگ از سوی مالیونوسکی (Malinowski) در دایره‌المعارف بریتانیکا نوشته شده که پس از آن بحث درباره فرهنگ و انواع آن به موضوع اصلی در علوم انسانی بدل شد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۲۳). فرهنگ تعاریف گوناگونی دارد (صالحی‌امیری، ۱۳۸۶: ۳۰-۱۰) که به یکی از این تعاریف به نقل از رابرتسون (Robertson) اشاره می‌شود: «فرهنگ از نظر جامعه‌شناسی شامل تمام چیزهایی می‌شود که جامعه انسانی به وجود می‌آورد و در آن اشتراک می‌یابد و این چیزها دارای دو نوع اساسی است: مادی و معنوی. فرهنگ مادی/ Material Culture شامل همه مصنوعات و اشیاء مادی می‌شود که انسان‌ها به وجود آورده و به آن معنی می‌بخشند، از قبیل: چرخ‌ها، لباس‌ها، کارخانجات و... فرهنگ معنوی/ Nonmaterial Culture شامل همه ابداعات انتزاعی از قبیل: زبان‌ها، افکار، عقاید، قواعد، آداب و رسوم، افسانه‌ها، مهارت‌ها، الگوهای خانوادگی و نظام‌های سیاسی می‌شود» (رابرتسون، ۱۳۷۷: ۵۶).

فرهنگ، خود به اجزای دیگری از جمله: خرده‌فرهنگ یا ریزفرهنگ، فرهنگ کج‌روی، آنتی‌فرهنگ و... تقسیم می‌شود. خرده‌فرهنگ یکی از مباحث مهم در حوزه فرهنگ‌شناسی است که توجه بسیاری از جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. «مفهوم خرده‌فرهنگ، در ساده‌ترین شکل آن، بر ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و سبک زندگی یک (زیر) گروه اقلیت در جامعه دلالت می‌کند؛ فرهنگ این گروه با فرهنگ گروه حاکم اختلاف دارد، هرچند که ممکن است با آن مرتبط نیز باشد» (ادگار، سجویک، ۱۳۸۷: ۱۲۳). «در بحث خرده‌فرهنگ بر رفتارهای گروهی از افراد انسانی در جامعه تأکید می‌شود که تا حدودی با فرهنگ حاکم بر جامعه تفاوت‌هایی دارند؛

خرده‌فرهنگ نیز مانند پادفرهنگ، نوعی مقاومت در برابر فرهنگ حاکم را مفروض می‌دارد» (همان).

یکی از مباحث مهم در بحث فرهنگ، خرده‌فرهنگ جوانان است که از اواخر دهه ۶۰ میلادی مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفت (آبرکرامبی و همکاران، ۱۳۶۷: ۳۸۰). خرده‌فرهنگ جوانان را برخی، ذیل عنوان فرهنگ کج‌روی یاد کرده‌اند (گوردون، ۱۳۸۸: ۱۱۵۵).

در شاهنامه فردوسی، داستان زال و رودابه با توجه به شاخصه‌هایی که دارد، ذیل عنوان خرده‌فرهنگ جوانان قابل بررسی است و در پژوهش حاضر، این داستان با توجه به مؤلفه‌های خرده‌فرهنگ جوانان در جامعه‌شناسی بحث و بررسی می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در باره فرهنگ و اجزای مختلف آن تاکنون چندین پژوهش انجام شده، اما درباره خرده‌فرهنگ در شاهنامه، تاکنون مقاله یا تحقیقی دیده نشده است. پژوهش‌هایی هم که درباره فرهنگ تاکنون دیده شده، بیشتر یا بررسی‌های واژه فرهنگ در شاهنامه است و یا فرهنگ در مفهوم کلی خود مدنظر بوده است که با اجزای فرهنگ هم‌چون: آیین، سنت، رسوم و... یکی پنداشته شده است. این در حالی است که سنت، خود یکی از اجزای فرهنگ است (موریس، ۱۳۸۹: ۱۱۱). بیش‌تر این تحقیقات فاقد دیدگاه‌های فرهنگ از دید جامعه‌شناسی است، چراکه اصطلاح فرهنگ، مفهومی است که در جامعه‌شناسی موردنظر است و در تحقیقاتی که درباره فرهنگ به چشم آمده است، کم‌تر به شاهنامه از منظر فرهنگ در دانش جامعه‌شناسی نگریسته شده است.

موضوع جوانان در شاهنامه از منظر دانش جامعه‌شناختی چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. درباره داستان زال، محمد مختاری، کتاب اسطوره زال (تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی) و مصطفی سعادت، کتاب مقدمه‌ای بر داستان زال را نوشته است؛ هر دو کتاب در خصوص زال به طور اختصاصی سخن گفته‌اند، اما هیچ‌کدام،

مسأله خرده فرهنگ را از منظر جوانی در این داستان بررسی نکرده‌اند (مختاری، ۱۳۷۹ و سعادت، ۱۳۹۳).

کتاب جامعه‌شناسی خودکامگی (تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش)، چنان‌که از نامش پیدا است به تحلیل داستان ضحاک از منظر جامعه‌شناسی پرداخته و در هشت فصل، تمامی زوایای این داستان را با نظریه‌های مختلف در جامعه‌شناسی بررسی کرده است. حاکمیت‌های سیاسی، قدرت، توسعه ارضی، ترکیب قبیله‌ای سپاه، جهل توده، خرافات و مطالب بسیاری از این قبیل در زمره مباحث این کتاب هستند (رضاقلی، ۱۳۷۱). همچنین کتاب بن‌بست‌های جامعه‌شناسی که چند مقاله مرتبط با شاهنامه دارد و در برخی از آن‌ها تحلیل‌های جامعه‌شناسی هم هست، برای نمونه «تازیانه بهرام، کوبه بیدارگر» (ثاقب‌فر، ۱۳۷۸: ۲۶۷)، اما با وجود ورود به بحث جامعه‌شناسی در شاهنامه، بحث جوانان در آن چندان جایگاهی ندارد.

چند منبع دیگر نیز به گوشه‌هایی از بحث فرهنگ در شاهنامه پرداخته و تاحدودی به جوانان هم اشاره کرده‌اند؛ با تأکید بر این که هیچ کدام از این منابع به‌طور اختصاصی به جوانان پرداخته‌اند و به‌خصوص این که نگاه جامعه‌شناسی بر این پژوهش‌ها حاکم نیست. در کتاب آیین‌ها و رسم‌های ایرانیان باستان بر بنیاد شاهنامه فردوسی (جلد اول) نویسنده بدون هیچ تعریفی درباره آیین و سنت و رسم و... هر آنچه را به زعم خود سنت و آیین تشخیص داده است به صورت فهرست‌وار گردآوری کرده و با تفصیل فراوان توضیح داده و برای هر کدام مثال‌های فراوانی از شاهنامه آورده است. فهرست مجلد اول به این قرار است: زناشویی و خانواده، بزم و مهمانی، جشن‌ها و آذین‌بندی‌ها، سپاس و سپاس‌گزاری، مهر و مهرورزی، بزرگداشت و نوازش، جشن‌های دینی، سوگندخوردن، ستایش و سرفرازی، شکار، خلعت، مژدگانی، هدیه، رایزنی، کین‌خواهی، نامه‌نگاری و... (اعتمادمقدم، ۲۵۳۵: فهرست). براساس استدراک پایانی کتاب، گویا همین نویسنده چندین کتاب دیگر نیز مرتبط با این موضوع تدوین کرده و انتشارات وزارت فرهنگ و هنر منتشر کرده بود که هیچ کدام مرتبط با بحث حاضر نیستند.

کتاب ساسانیان و آداب و رسوم دربار انوشیروان با تکیه بر شاهنامه فردوسی با هیچ نظریه جامعه‌شناسی پیش نرفته است و براساس تعاریف آیین و سنت و با یک بررسی تاریخی از زمان هخامنشیان به زمان ساسانیان رسیده است و سپس آیین‌ها و سنت‌های دربار انوشیروان را براساس شاهنامه گردآوری کرده است؛ آیین‌هایی مانند: آیین دربار، بارعام، خوان‌سالاری، مالیات‌ها، وضعیت طبقات مردم، و... (غفاری، ۱۳۸۹). کتاب بنیان‌های مدنیت و فرهنگ در شاهنامه فردوسی درباره فرهنگ و مسائل آن، مثل ازدواج و شهرسازی و مرگ و مدح و نامه‌نویسی و... است که بیشتر آشناپردازی است (احیایی، ۱۳۹۳). هم‌چنین مقاله «بررسی آداب پیوند زناشویی و امور خانواده در شاهنامه فردوسی» نیز به بحث خرده‌فرهنگ خانواده در شاهنامه پرداخته است (خاتمی، ۱۳۸۷: ۳۲۰-۳۰۳)، اما موضوع را از منظر نظریه خرده‌فرهنگی بررسی نکرده است.

۳. تعریف فرهنگ

برای رسیدن به تعریف دقیق و درستی از خرده‌فرهنگ، ضدفرهنگ، فرهنگ کج‌روی و دیگر اجزای فرهنگ، ناگزیر از تعریف دقیقی از اصل مفهوم فرهنگ هستیم. با توجه به تعاریف گوناگونی که از مفهوم فرهنگ ارائه شده، رسیدن به تعریفی که مورد وفاق همه جامعه‌شناسان و منتقدان ادبی باشد، دشوار می‌نماید.

گویا نخستین تعریف از فرهنگ از سوی مالیونووسکی در دایره‌المعارف بریتانیکا نوشته شد که پس از آن بحث درباره فرهنگ و انواع آن به موضوع اصلی در علوم انسانی بدل شد و باوجود مکاتب گوناگون فکری در تعاریف این مفهوم نیز تغییراتی ایجاد شد. با این‌که از دهه ۱۹۶۰ یکی از مباحث اصلی در علوم انسانی، فرهنگ بود، اما هم‌چنان بحث ابهام در این اصطلاح برجای بود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۲۳). رابطه غیر قابل انکار فرهنگ با موسیقی و ادبیات، از مباحث مهمی است که از دید فرهنگ‌پژوهان پنهان نمانده است (بیلینگتون و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۹).

کتاب مهمی که در تعریف فرهنگ نوشته شده است از داریوش آشوری است که «تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ» نام دارد. این کتاب مرجع بسیاری از پژوهشگران در مباحث فرهنگ بوده است. کتاب آشوری پنج بخش دارد؛ بخش یکم: واژه فرهنگ در زبان و ادب فارسی، بخش دوم: سیر واژه کولتور / Culture و سیر مفهوم آن، بخش سوم: تعریف‌های فرهنگ، بخش چهارم: فرهنگ از دیدگاه انسان‌شناسی، بخش پنجم: دو گفتار درباره فرهنگ (آشوری، ۱۳۹۳). در انطباق تعاریف جامعه‌شناسی فرهنگ با زبان فارسی، آشوری می‌گوید: «رواج دوباره واژه فرهنگ در زبان فارسی، در سه چهار دهه گذشته و هم‌چنین دگرگونی معنای آن، نخست برای سازگاری با واژه Education و سپس Culture در زبان‌های اروپایی نشانه‌نیازی است تازه که همراه با پراکنش صورت تازه‌ای که در صورت تمدن و فرهنگ پیش آمده است، یعنی نیاز به بیان مفهوم‌های تازه‌ای که در صورت کهن تمدن و فرهنگ ما کمابیش یافته نمی‌شد و یا روح آن تمدن با چنین مفهوم‌هایی بیگانه بود» (آشوری، ۱۳۹۳: ۱۵).

۴. خرده فرهنگ

در ترجمه «فرهنگ جامعه‌شناسی» از گوردون مارشال برای واژه Subculture معادل خرده فرهنگ و فرهنگ جزئی آمده است (مارشال، ۱۳۸۸: ۱۱۵۵). در فرهنگ «مآخذ و مراجع جامعه‌شناسی» از نیکلاس آبرکرامبی و همکاران، معادل این اصطلاح، زیرفرهنگ ترجمه شده است (آبرکرامبی، ۱۳۶۷: ۳۸۰). برخی نیز فرهنگ جزئی گفته‌اند و در ترجمه Subcultural Theory نظریه خرده فرهنگی گفته شده است (هوشمند، ۱۳۸۹: ۳۸۷). محسنی هم آن را پاره فرهنگ ترجمه کرده است (محسنی، ۱۳۹۳: ۸۹) و برخی هم گفته‌اند که گروهی با عقایدی خاص که با عقاید فرهنگ کل تفاوت دارند (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۵). افروغ نیز تعریفی مشابه همین‌ها را ارائه می‌دهد (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۴۳).

یکی از دیدگاه‌های مهم در خرده‌فرهنگ‌ها این است که آن‌ها را ذیل فرهنگ کج‌روی بررسی می‌کنند؛ «نظریه خرده‌فرهنگ در سطح وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد و انگاره اصلی آن شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها به عنوان راه‌حلی جمعی یا حل و فصل مشکلات ناشی از خواست‌های تحقق‌نیافته اعضا یا مواضع مبهم آن‌ها در جامعه وسیع‌تر است. به این ترتیب خرده‌فرهنگ‌ها متمایز از فرهنگ وسیع‌تر هستند؛ اما نمادها، ارزش‌ها و باورهای آن را وام می‌گیرند (و اغلب تحریف می‌کنند، مورد مبالغه قرار می‌دهند یا باژگونه می‌سازند). از این مفهوم در سطحی وسیع در جامعه‌شناسی کج‌روی استفاده می‌شود؛ خصوصاً در مطالعه فرهنگ جوانان» (گوردون، ۱۳۸۸: ۱۱۵۵).

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها در بررسی خرده‌فرهنگ‌ها، قدرت چانه‌زنی آن‌ها است که می‌تواند امتیازات بیشتری را از فرهنگ بالاتر در جامعه به دست آورد؛ «خرده‌فرهنگ‌ها عمدتاً با بهره‌گیری از دلالت سبک‌های پوشاک و الگوهای رفتاری (یا آیینی) مخالفت خود را با فرهنگ حاکم ابراز می‌دارند... بنابراین، می‌توان چنین انگاشت که خرده‌فرهنگ‌ها به چانه‌زنی برای به دست آوردن فضایی فرهنگی دست می‌زنند؛ در این فضا می‌توان برخاسته‌های متضاد فرهنگ مادر تأثیر گذاشت و در مقابل آن مقاومت کرد؛ گروه نیز می‌تواند هویت خود را در این فضا بیان کند و پیروانند» (ادگار، سچ‌ویک، ۱۳۸۷: ۱۲۳). این، موضوعی است که مطالعه خرده‌فرهنگ‌ها را از اهمیتی ویژه برخوردار می‌کند؛ زیرا با مطالعه در ساختار این خرده‌فرهنگ‌ها به تغییرات کلی در فرهنگ جامعه نیز می‌توان پی برد. هم‌چنین خرده‌فرهنگ‌ها در یافتن راهبردهای نوین در جامعه نیز می‌تواند یاری‌گر باشد. «مطالعات خرده‌فرهنگی فعالیت‌ها، اشکال و ارزش‌های مورد تحلیل خود را به عنوان کوشش‌های نسبتاً منسجمی برای مفهوم ساختن و پی‌گرفتن راهبردهایی در موقعیت‌های اجتماعی مفروض در نظر گرفته است» (پین، ۱۳۸۲: ۲۶۷).

۵. خرده فرهنگ جوانان

بررسی خرده فرهنگ‌ها از این جهت اهمیت دارد که به تحلیل نوع استراتژی خرده فرهنگ‌ها در برابر فرهنگ غالب جامعه کمک می‌کند؛ «افراد جامعه برحسب این که متعلق به کدام گروه اجتماعی و شغلی هستند و به چه طبقه‌ای بستگی دارند و خود را از چه طایفه‌ای می‌دانند و به کدام گرایش فکری و عقیدتی منسوبند و بالاخره برحسب این که از نظر جنسی و سنی در چه رده‌ای قرار دارند، دارای نمود و ظهور و مختصات فرهنگی متفاوتند و به آسانی می‌توان آن‌ها را به اعتبار گفتار و رفتار و لباس و... از یک‌دیگر متمایز ساخت. این تفاوت‌ها و ویژگی‌های داخلی هر فرهنگ را خرده فرهنگ یا جوانه‌ها و شاخ و برگ‌های تنه اصلی فرهنگ جامعه می‌نامند» (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۳۰). خرده فرهنگ‌ها انواع مختلفی دارند: جوانان، مشاغل، روستایی، مهاجر و... (محسنی، ۱۳۹۳: ۸۹ و فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸۸-۲۹۵). گاهی نیز از خرده فرهنگ‌ها به عنوان نقش‌های اجتماعی یاد می‌شود: خرده فرهنگ‌های نهادی، سنی و جنسی، طبقاتی، حرفه‌ای، گروه‌ها (امین‌صارمی، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۸). در خرده فرهنگ سنی، بحث جوانان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

بسیاری از جامعه‌شناسان از خرده فرهنگ جوانان به عنوان نوع مهم خرده فرهنگ در درون جوامع و فرهنگ‌ها یاد می‌کنند (گوردون، ۱۳۸۸: ۱۱۵۵ و رابرتسون، ۱۳۷۷: ۷۹). «این واژه معمولاً در جامعه‌شناسی به عنوان نوعی منزلت اجتماعی یا برجستگی که به صورت اجتماعی ساخته شده، قلمداد می‌شود؛ نه صرفاً به عنوان وضع زیستی جوان بودن» (گوردون، ۱۳۸۸: ۱۲۶۷).

توجه ویژه به خرده فرهنگ جوانان، بیشتر بعد از جنگ جهانی دوم، اهمیت ویژه‌ای یافت. «تحلیل خرده فرهنگی به ویژه در آثار راجع به فرهنگ‌های جوانان متنوع پس از جنگ جهانی دوم اهمیت یافته و ساخت فعالانه معناها و فضاها و فرهنگی از سوی گروه‌های فرودست و اغلب متعلق به طبقه کارگر در زمینه‌های گوناگون نهادینه و روزمره را مورد تأکید قرار داده است» (پین، ۱۳۸۲: ۲۶۶).

برخی برای خرده‌فرهنگ جوانان، انواعی نیز ذکر می‌کنند؛ «وجود فرهنگ‌های جوانان به دو شکل تبیین می‌شود: عوامل دخیل در تجربه نوجوانی، یا دست‌کاری هزینه و نحوه گذران اوقات فراغت جوانان از طریق تبلیغات و دیگر رسانه‌های همگانی» (گوردون، ۱۳۸۸: ۱۲۶۷).

موضوع خرده‌فرهنگ جوانان امروزه در بین جامعه‌شناسان و پژوهشگران فرهنگ نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اهمیت آن از این جهت است که «امکان به‌رسمیت شناختن تنوع فرهنگ‌ها را در یک جامعه میسر می‌سازد» (ادگار، سچ‌ویک، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

در این مقاله، خرده‌فرهنگ جوانان در بخش پادشاهی زال و رودابه با تکیه بر همین اهمیت بررسی می‌شود.

۱-۵. رفتار جوانان زال و رودابه

عشق زال و رودابه در دوران پادشاهی منوچهرشاه یکی از مهم‌ترین داستان‌هایی است که در آن می‌توان رد پای خرده‌فرهنگ جوانان را در شاهنامه پیگیری کرد. زال پس از آن که از پیش سیمرغ، نزد پدر خود برگشته، اصول زیستن در بین مردم را آموخته است. زمانی که سام برای جنگ به سرزمین گرگساران رفت، زال بر تخت پادشاهی سیستان تکیه زد. او وصف زیبایی رودابه را شنید و به او دل باخت. رودابه نیز شاهدخت کابلی است که پدرش، مهرباب از نسل ضحاک است و همین دلیل، خود عاملی است که روابط آنان با ایرانیان و پادشاه ایران چندان حسنه نباشد. رودابه نیز دل به زال می‌سپرد. در این میان بدون این که خانواده‌های آنان آگاه شوند، این دو با یک‌دیگر دیدار می‌کنند و پس از آن نیز با واسطه‌هایی که بینشان است، هدایایی برای هم می‌فرستند. نخست سینه‌دخت و پس از آن مهرباب و سام و منوچهر از این ماجرا آگاه می‌شوند و همه نیز مخالف این وصلت هستند. سینه‌دخت و مهرباب از ترس منوچهرشاه و سام نیز به خاطر حرمت منوچهر با این وصلت

مخالف‌اند. مهرباب با آگاه شدن از این قضیه، تصمیم می‌گیرد دخترش را بکشد که با پادرمیانی سیندخت از این کار منصرف می‌شود. منوچهر هم وقتی آگاه می‌شود، مخالفت می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۰۱) و حتی به سام دستور می‌دهد که کابل را با خاک یکسان کند. در این زمان، زال با یادآوری مشقّاتی که بر او رفته، سام را وامی‌دارد که با این وصلت موافقت کند. سام نیز با نوشتن نامه‌ای برای منوچهر و یاد کردن خدماتی که برای او کرده، باعث می‌شود که منوچهر با این ازدواج موافقت کند. در این داستان، رفتاری که زال و رودابه با خانواده‌هایشان در پیش گرفته‌اند - یعنی در مقابل آنان برای ازدواج پافشاری می‌کنند - ذیل خرده‌فرهنگ بررسی می‌شود. زال و رودابه با تدبیری که به خرج می‌دهند و با قدرت چانه‌زنی که دارند، می‌توانند از فرهنگ حاکم بر خود امتیازگیری کنند و نگذارند اوضاع بدتر شود. بحث چانه‌زنی از مهم‌ترین مباحثی است که در خرده‌فرهنگ‌ها وجود دارد (ادگار، سچ‌ویک، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

۲-۵. ابعاد دیدگاه خرده‌فرهنگی در رفتار زال و رودابه

زمانی که زال عشق خود را با بزرگان سیستان در میان می‌گذارد به نکته‌ای ظریف اشاره می‌کند که گویی جوانی از نظر پادشاه موضوعی است که با گناه فرق دارد و به‌همین دلیل زال می‌پرسد که آیا کار او از نظر پادشاه گناه است و یا فقط جوانی:

شود تیز، گویی منوچهرشاه؟ جوانی گمانی برد یا گناه؟

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۳)

در تحلیل نوع رفتار زال و رودابه از منظر نگاه خرده‌فرهنگی باید به چند نکته توجه داشت؛ نخست این که زال و رودابه در رفتار و گفتار خود مسائلی را مطرح می‌کنند که تا حدودی با فرهنگ حاکم بر جامعه آنان در تضاد است، اما با تدبیری که زال و رودابه و به‌خصوص سیندخت در داستان می‌اندیشند، باعث می‌شوند که آنان بتوانند از فرهنگ مسلط و حاکم بر جامعه خود امتیازگیری کنند و در نهایت

زال و رودابه بتوانند با هم ازدواج کنند. اگر رفتار زال و رودابه بدون تدبیر و یا با تندی صورت می‌گرفت، این خرده‌فرهنگ ممکن بود که به فرهنگ کج‌روی و یا پادفرهنگ منجر شود که در این صورت ای بسا ازدواجی هم صورت نمی‌گرفت و حتی موضوع ازدواج به چالشی مهم منجر می‌شد که باعث جنگ بین دو کشور نیز می‌شد. رفتارهایی که زال و رودابه در ابراز عشق خود در این داستان از خود بروز می‌دهند تا پیش از این در هیچ بخشی از شاهنامه سابقه نداشته و حتی پس از این مورد نیز فقط بخشی از آن در داستان ته‌مین و منیژه تا حدودی تکرار می‌شود. رفتارهای متضاد گونه زال و رودابه که در این داستان مهم هستند، بدین قرارند:

۵-۲-۱. ابراز علاقه برای ازدواج با وجود آگاهی از مخالفت فرهنگ حاکم

زال و رودابه می‌دانند که اگر عشق خود را مطرح کنند و خانواده‌هایشان از این موضوع آگاه شوند، ممکن است علاوه بر مخالفت با واکنش‌های جدی نیز مواجه شوند با این وجود، آگاهانه عشق خود را مطرح می‌کنند. زال در وصف عشق خود با بزرگان می‌گوید:

کنون این همه داستان من است گل و نرگس و بوستان من است
دل از من رمیده است و برده خرد شما بنگرید این چه درمان برد

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۳)

بزرگان سیستان وقتی که از موضوع آگاه می‌شوند، همه ساکت می‌شوند و جرأت حرف زدن و اظهار نظر پیدا نمی‌کنند:

ببستند لب موبدان و ردان سخن بسته شد بر لب بخردان
گشاده سخن کس نیارست گفت که نشنید کس نوش با زهر جفت

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۳)

رودابه نیز با خدمت‌کاران خود همین موضوع را مطرح می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که برای عشق او چاره‌ای بیندیشند:

که من عاشقی‌ام چو بحر دمان
 پر از پور سام است روشن دلم
 همه خانه شرم پر مهر اوست
 کنون این سخن را چه درمان کنید
 یکی چاره باید کنون ساختن
 از او بر شده موج تا آسمان
 به خواب اندر اندیشه زو نگسلم
 شب و روزم اندیشه چهر اوست
 چه خواهید و با من چه پیمان کنید
 دل و جانم از رنج پرداختن
 (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۱۸۸)

۲-۲-۵. بیان عشق دختران به مردان

بیان عشق از سوی دختر به خودی خود و به اندازه کافی شگفت آور بوده، اما وقتی که دختر یکی از سران کشور، این عشق را نسبت به کشور رقیب خود مطرح می‌کند، شگفتی خدمت کاران رودابه چند برابر می‌شود، چراکه این ابراز عشق را از دختر حاکم سرزمینشان می‌شنوند:

پرستندگان را شگفت آمد آن
 که بی‌کاری آمد ز دخت ردان
 (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۱۸۸)

زمانی هم که سیندخت از کار رودابه آگاه می‌شود، رودابه با صراحت به او می‌گوید:
 به مادر چنین گفت کای پُر خرد
 همی مهر جان مرا بشکرد
 (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۱۴)

۳-۲-۵. قاصدان ویژه میان عاشق و معشوق

خبررسانی میان زال و رودابه را یک زن بر عهده می‌گیرد. اگر این موضوع از این زاویه نگریسته شود که زال و رودابه از دو کشور رقیب هستند، آنگاه اهمیت این جسارت مشخص می‌شود. در جایی که همه نامه‌های میان دو سرزمین را فقط

باید قاصدان مخصوص برعهده گیرند، یک زن عهده‌دار رساندن نامه‌ها بین زال و رودابه می‌شود:

میان سپهدار با سروبن زنی بود زیبا و شیرین سخن
پیام آوریدی سوی پهلوان هم از پهلوان سوی سرو روان
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۱۱)

البته زمانی هم که سیندخت از این موضوع آگاه می‌شود، آن زن را به شکلی سخت مجازات می‌کند و او را کتک می‌زند (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۱۳).

۵-۲-۴. فرستادن انگشتری و هدیه برای هم (انگشتری برای نامزدی)

رسم انگشتری برای ازدواج گویا از رسوم کهنی است که در شاهنامه و به‌خصوص در این داستان انعکاس یافته است. در میان هدایای فراوانی که زال برای رودابه فرستاده بود، انگشتری از همه مهم‌تر بود:

یکی شاره سربند پیش آورید شده تار و پود اندر او ناپدید
همه پیکرش سرخ‌یاقوت و زر شده زر همه ناپدید از گهر
یکی جفت پرمایه انگشتری فروزنده چون بر فلک مشتری
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۱۲)

وقتی که سیندخت متوجه قاصدی می‌شود که برای رودابه هدایایی آورده است، ابتدا او را تفتیش می‌کند و لباس‌ها و جواهراتی را که شخصی ناشناس برای رودابه فرستاده بررسی می‌کند؛ اما زمانی که چشمش به انگشتری می‌افتد متوجه می‌شود که باید مسأله‌ای عاشقانه در بین باشد. او بلافاصله نزد رودابه می‌رود و از او درباره انگشتری می‌پرسد:

سخن بر چه سانست و این مرد کیست که زیبای سربند و انگشتری است
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۱۴)

۵-۲-۵. ورود زال به کاخ رودابه

مهم‌ترین هنجارشکنی که در مسائل فرهنگی در این داستان رخ داده است، ورود زال به کاخ رودابه است؛ این در حالی است که هیچ‌کدام از اعضای دو خانواده از این موضوع آگاه نیستند. اهمیت این هنجارشکنی از طرف این دو جوان از آن‌جا ناشی می‌شود که از یک سو آن‌ها از دو کشور رقیب هستند و از سوی دیگر، هنوز پیوند خویشاوندی میان آنان صورت‌نپذیرفته است. زال شب هنگام از دیوار کاخ رودابه بالا می‌رود و تا صبح با رودابه به عیش و نوش می‌پردازد:

همه بود بوس و کنار و نیند مگر شیر کاو گور را نشکرید
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۰)

در همان مجلس زال به رودابه می‌گوید که منوچهر و سام با این ازدواج قطعاً موافق نخواهند بود:

منوچهر چون بشنود داستان نباشد بدین کار همداستان
همان سام نیرم برآرد خروش کف اندازد وبر من آید به جوش
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۱)

۵-۲-۵. پیمان عشق بستن بدون آگاهی خانواده‌ها

زمانی که زال در کاخ رودابه است آن دو با هم پیمان می‌بندند که با وجود مخالفت خانواده‌هایشان حتی تا پای جان بر سر پیمان‌شان بمانند. زال می‌گوید:

ولیکن سر مایه جان است و تن همه خوار گیرم پیوشم کفن
پنذیرفتم از داد گـر داورم که هرگز ز پیمان تو نگذرم
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۱)

رودابه نیز همان‌جا می‌گوید:

که بر من نباشد کسی پادشا جهان آفرین بر زبانم گوا
جز از پهلوانِ جهان زال زر که باتخت و تاج است و یازیب و فر
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۱)

زمانی هم که سیندخت، رودابه را بابت عشق او سرزنش می‌کند، رودابه آشکارا از عشق خود به زال سخن به میان می‌آورد:

بدان کاو مرا دید و با من نشست به پیمان گرفتیم دستش به دست
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۱۴)

۳-۵. پیامدهای رفتار زال و رودابه

یکی از دلایل مهم مخالفت‌های خانواده‌ها با ازدواج زال و رودابه، مشکلاتی است که دو کشور همسایه باهم دارند؛ همچنین با کارهایی که این دو بدون اطلاع خانواده‌ها انجام داده‌اند - به نوعی - ننگ و عاری برای خانواده‌هایشان به ارمغان آورده‌اند.

رفتار خارج از عرف فرهنگی زال و رودابه دو پیامد بسیار مهم را برای دو سرزمین زابل و کابل داشته است: یکی بحث ننگ و نام است و دیگری مسئله دشمنی ریشه‌ای و رقابت دیرینه‌ای که با هم دارند.

بحث دشمنی بین ایران و کابل از آن‌جا ناشی شده که مهراب کابلی از نوادگان ضحاک است. همین موضوع می‌تواند منجر به وخامت اوضاع به خصوص برای مهراب شود. مرکز حکومت مهراب بسیار کوچک است و او از حکومت منوچهرشاه هراس بسیاری دارد و به همین دلیل وقتی از جریان علاقه دخترش به زال آگاه می‌شود، اولین فکری که به ذهنش می‌رسد این است که رودابه را بکشد تا مگر به شاه ایران اثبات کند که در این قضیه بی‌تقصیر بوده است؛ البته سیندخت با تدابیر خود مانع از اجرای هدفش می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۳۷). علاوه بر این، منوچهر هم وقتی متوجه می‌شود که زال قصد دارد با یکی از نوادگان

ضحاک ازدواج کند به سام دستور می دهد که کابل و هند را با خاک یکسان کند (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۲۶)؛ هرچند که سام در ابتدا می پذیرد، اما بعد با نوشتن نامه، وقتی که از خدمات خود یاد می کند، منوچهر را از این تصمیم بازمی دارد.

موضوع ننگ برای مهرباب نمود بیشتری در داستان دارد. مهرباب زمانی که از موضوع آگاه می شود به سیندخت می گوید:

همم بیم نام است و هم جای ننگ چرا بازداری سرم را ز جنگ
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۱۸)

و منظور مهرباب از «جنگ» در این بیت، این است که قصد داشته دخترش را بکشد. موضوع ننگ برای مهرباب، زمانی خود را بیشتر نمایان می کند که مردم کابل نیز از موضوع عشق زال و رودابه آگاه می شوند:

چو در کاول این داستان فاش گشت سر مرزبان پر ز پرخاش گشت
بر آشفست و سیندخت را پیش خواند همه خشم رودابه بر وی براند
چنین گفت کاکون جز این نیست رای که با شاه گیتی مرا نیست پای
که آرمت با دخت ناپاک تن کشم زارتان بر سر انجمن
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۳۶)

پیامد رفتار خارج از چارچوب فرهنگی زال و رودابه برای مهرباب و سام، اوضاع را به شدت وخیم کرده که بحث ننگ و رقابت دو سرزمین از مهم ترین آن مباحث است. نوع مواجهه و تدبیرهای دقیق و بجا در این شرایط، تعیین کننده اوضاع است.

۵-۳-۱. تدبیر و قدرت چانه زنی

در تحلیل خرده فرهنگ هایی که موفق شوند امتیازی بگیرند و یا خرده فرهنگ به ضد فرهنگ و فرهنگ کج روی بدل شود، تدبیر و استراتژی افراد خرده فرهنگ از اهمیت

خاصی برخوردار است. چنان‌که گفته شد، یکی از دلایل ایجاد خرده‌فرهنگ در درون یک فرهنگ، گرفتن امتیاز است و این موضوع با قدرت چانه‌زنی میسر می‌شود (ادگار، سچ‌ویک، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

در داستان زال و رودابه، این موضوع به بهترین شکلی خود را نشان داده است و برخلاف داستان بیژن و منیژه که به اسارت بیژن و نبرد میان دو فرهنگ منتهی می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۶: ۳/۳۸۷) و یا برخلاف داستان تهمینه و رستم که دو طرف (رستم و تهمینه) از ترس آگاهی خانواده‌ها و فرهنگ‌هایشان (و یا دلایل دیگر)، موضوع پیوند خود را آن‌قدر مخفی نگه می‌دارند که سرانجام منجر به حادثه وحشتناک مرگ سهراب می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲/۱۸۵). در داستان زال و رودابه، تدبیر و مدیریت بحران به وجود آمده از سوی زال و رودابه و سپس سیندخت و سام، ماجرا را به بهترین شکل ممکن به پایان می‌برد و مهم‌ترین بُعد این تدبیر نیز گفت‌وگوست.

تدبیرهایی که از سوی زال و رودابه (و البته بعداً سیندخت و سام) در داستان برای گرفتن امتیاز مطرح می‌شوند، بدین قرارند:

۵-۳-۱-۱. گفت‌وگوی زال با مشاوران و بزرگان سیستان

اولین کاری که زال پس از مطرح شدن ازدواج با رودابه انجام می‌دهد، این است که با بزرگان سیستان مشورت می‌کند. زال در توجیه کار خود مطالب بسیاری را به آنان یادآوری می‌کند و از جمله این‌که ازدواج بخشی از دین است و به‌خصوص برای جوانان واجب‌تر است:

و دیگر که بی‌مایه دین خدای ندیدیم مرد جوان را به جای

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۰۳)

بزرگان با توجه به دورنمایی که از مسائل کلان‌کشوری و رقابت‌های دیرین خاندان مهرباب و ایرانیان دارند، ترجیح می‌دهند که البته سکوت کنند.

۵-۳-۱-۲. مشورت رودابه با خدمت کارانش

رودابه نیز در نخستین اقدام خود با خدمت کارانش که به آنان اطمینان داشته، مشورت می‌کند و از آنان راه و چاره می‌خواهد:

بدان بندگان خردمند گفت: که بگشاد خواهم نهران از نهفت
شما یک‌به‌یک رازدار منید پرستنده و غمگسار منید

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۱۸۷)

هرچند خدمت کاران در ابتدا کاملاً حیرت‌زده می‌شوند، اما در نهایت می‌پذیرند که رودابه را یاری کنند.

۵-۳-۱-۳. گفت‌وگوی رودابه با سیندخت

سیندخت زمانی که از کار رودابه آگاه شد در اولین واکنش به سراغ رودابه رفت و از او قضیه را پرسید و رودابه، همه موضوع عشق خود را برای سیندخت تعریف می‌کند. سیندخت خطرات این عشق را شرح می‌دهد، اما رودابه بر سخن خود پافشاری می‌کند:

به مادر چنین گفت کای پرخرد همی مهر جان مرا بشکرد

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۱۴)

زمانی که سیندخت متوجه می‌شود که این سخن به گوش سام هم رسیده است، خود وارد میدان می‌شود و به دفاع از رودابه با مهرباب و سام جداگانه سخن می‌گوید.

۵-۳-۲. گفت‌وگوی زال با سام

زال هم با وجود آگاهی از همه خطرات، ابتدا نامه‌ای برای سام می‌نویسد و او را از تصمیم خود آگاه می‌کند. سام هم در مرحله نخست به سختی مخالفت می‌کند، اما هنگامی که

سام از نبرد گرگساران نزد منوچهر رفته و از نزد او به سیستان می‌رود، زال پیش او می‌رود و از رنج‌های دوران کودکی خود سخن می‌گوید:

یکی مرغ‌پرورده‌ام خاک‌خورد ز گیتی مرا نیست با کس نبرد...
 ز مادر بـزادم بینداختی به کوه اندرم جایگه ساختی

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۲۹)

و در واقع با این کار، سام را در مخمصه قرار می‌دهد و به او می‌گوید: حال که در حقّ کودکی و جوانی او کاری نکرده، لااقل در ازدواج به او کمک کند. همین تدبیر هم مؤثر واقع می‌شود و سام مجبور می‌شود که در دفاع از ازدواج دختر مهرباب با زال برای منوچهر نامه‌ای بنویسد (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۳۱).

۵-۳-۳. چاره‌جویی‌های سیندخت

مهم‌ترین نقش را در این داستان، سیندخت برعهده دارد. اوست که با تدبیرهای ویژه خود در مواجهه با رودابه و مهرباب و سپس سام، وقایع را به سمت نگاه عاقلانه سوق می‌دهد:

۵-۳-۳-۱. گفت‌وگوی سیندخت با مهرباب

یکی از مخالفان سرسخت ازدواج رودابه و زال، مهرباب است و دلیل آن هم بیان شد که ابتدا ننگ و نام و سپس ترس از منوچهرشاه بود. سیندخت در این مرحله با مهرباب سخن می‌گوید و او را قانع می‌کند که می‌تواند اوضاع را آرام کند. مهرباب نیز به او اجازه می‌دهد که آن‌طور که صلاح می‌داند اوضاع را سامان دهد. سیندخت هم با طلا و جواهراتی که مهرباب در اختیار او قرار داده به سمت سام می‌رود تا با او سخن بگوید. جالب است که هنگام رفتن از مهرباب می‌خواهد که به دخترشان آسیب نرساند:

نباید که چون من شوم چاره‌جوی تو رودابه را سختی آری به روی

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۳۷)

۵-۳-۲. مشورت سیندخت و سام

سیندخت برای سامان دادن به اوضاع در شمایل قاصدان، لباس مردانه می‌پوشد و با هدایایی نزد سام می‌رود. ابتدا از او زنهار می‌خواهد و زمانی که سام به او امان می‌دهد، نقاب از روی برمی‌کشد و خود را معرفی می‌کند و درباره ازدواج دخترش و زال با سام سخن می‌گوید. سام زمانی که سخنان سیندخت را می‌شنود، می‌پذیرد که رودابه عروسش شود.

عروس ار به مهراندرون همچو اوست سزد گر برآیند هر دو ز پوست
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۴۳)

۵-۳-۴. نامه سام به منوچهر

وقتی که سام از گرگساران به سوی سیستان برمی‌گردد، منوچهر او را طلب می‌کند و به او دستور می‌دهد که کابل را با خاک یکسان کند؛ هدف منوچهر از سویی بیان این نکته است که با ازدواج زال و رودابه مخالف است و از سوی دیگر، می‌خواهد وفاداری سام را بیازماید. سام در دربار منوچهر این موضوع را می‌پذیرد، اما وقتی به سیستان می‌رود و زال او را قانع می‌کند که باید با رودابه ازدواج کند، سام نامه‌ای برای منوچهر می‌نویسد و در آن به وصف خدمات خود می‌پردازد و از این رهگذر، منوچهر نیز سرانجام قانع می‌شود و نامه‌ای برای سام می‌نویسد و رضایت خود را اعلام می‌کند:

سخن هر چه زو سام را کام بود همان زال را رای و آرام بود
همه آرزوها سپردم بدوی بسی روز فرخ شمردم بدوی
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۵۶)

۵-۳-۵. رفتار زال نزد منوچهر

زمانی که سام، نامه را برای منوچهر می‌نویسد، آن را به زال می‌دهد که برای منوچهرشاه ببرد. وقتی منوچهر با خواندن نامه سام تا حدودی قانع می‌شود از دانشوران دربارش

می‌خواهد که زال را بیازماینند. نوع رفتار زال نزد منوچهر و این که به همه پرسش‌های دانشوران پاسخ می‌دهد (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۴۷-۲۵۶) از دیگر دلایلی است که منوچهر شاه کاملاً قانع می‌شود که ازدواج زال و رودابه هیچ مشکلی برای پادشاهی او به وجود نمی‌آورد.

نتیجه‌گیری

خرده‌فرهنگ، بخشی از فرهنگ مسلط در جامعه است که در برخی از اجزا با آن تفاوت‌هایی دارد. یکی از خرده‌فرهنگ‌های بسیار مهم از نظر جامعه‌شناسان غربی که از اواخر دهه ۶۰ میلادی، روی آن مباحثی جدی صورت گرفته است، خرده‌فرهنگ جوانان است.

خرده‌فرهنگ جوانان درباره جمعیت جوانان یک جامعه صحبت می‌کند که در رفتار و کردار و حتی لباس پوشیدن و سلیقه موسیقی خود با فرهنگ غالب در جامعه تفاوت‌هایی دارد. در شاهنامه فردوسی، داستان زال و رودابه، نمونه‌اعلای خرده‌فرهنگ جوانان محسوب می‌شود. در این داستان، زال و رودابه رفتارهایی دارند که با فرهنگ مسلط خانواده‌هایشان و سرزمینشان تفاوت‌هایی بارز دارد؛ از جمله: عشق این دو برخلاف خواسته خانواده‌هایشان، رابطه آن‌ها با یک‌دیگر به دور از چشم خانواده‌هایشان، ورود زال به کاخ رودابه، فرستادن انگشتری و ایستادگی در مقابل خانواده‌هایشان برای ازدواج با هم. علاوه بر این، سیاست‌ها و تدابیری هم که در این زمینه اتخاذ می‌شود، باعث می‌شود که موضوع، پیش از آن که به بحرانی جدی برای دو کشور همسایه بدل شود، به خوبی به پایان خوش تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین تدابیر در این بین، قدرت چانه‌زنی زال و رودابه بود؛ هم‌چنین مشورت و گفت‌وگوهای فراوانی که سیندخت با مهرباب و سام و هم‌چنین سام با زال و منوچهر دارد.

منابع

- آبر کرامبی، نیکلاس؛ هیل استفن و برایان اس. ترنر. (۱۳۶۷). **فرهنگ ماخذ و مراجع جامعه‌شناسی**. ترجمه حسن پویان. چ ۱. تهران: انتشارات چاپخش.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی فرهنگ**. چ ۱. تهران: نشر علم.
- آشوری، داریوش. (۱۳۹۳). **تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ**. چ ۵. تهران: نشر آگه.
- احیایی، ملیحه. (۱۳۹۳). **بنیان‌های مدنیت و فرهنگ در شاهنامه فردوسی**. چ ۱. مشهد: انتشارات سخن گستر.
- ادگار، اندرو و پیتر سجویک. (۱۳۸۷). **مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی**. ترجمه مهرا ن مهاجر و محمد نبوی. چ ۱. تهران: مؤسسه انتشارات آگه.
- اعتماد مقدم، علیقلی. (۲۵۳۵). **آیین‌ها و رسم‌های ایرانیان باستان بر بنیاد شاهنامه فردوسی**. ج ۱. چ ۱. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر (به مناسبت جشن فرهنگ و هنر).
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). **فضا و نابرابری اجتماعی**. چ ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- امین صارمی، نوذر. (۱۳۷۹). **انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های معاصر**. چ ۱. تهران: دانشگاه علوم اجتماعی ناجا.
- بیلینگتون، روزاموند؛ شیلا استرابریج؛ لنور گرین سایدز و آنت فیتزسیمور. (۱۳۸۰). **فرهنگ و جامعه (جامعه‌شناسی فرهنگ)**. چ ۱. تهران: نشر قطره.
- پورجعفر، محمدرضا؛ علیرضا ارباب‌زادگان هاشمی و علی پورجعفر. (۱۳۹۳). **تجلی خرده‌فرهنگ‌های ایرانی - اسلامی در طراحی فضاهای شهری**. چ ۱. تهران: انتشارات آرمان شهر.
- پین، مایکل. (۱۳۸۲). **فرهنگ اندیشه انتقادی**. ترجمه پیام یزدان‌جو. چ ۱. تهران: نشر مرکز.
- ثاقب‌فر، مرتضی. (۱۳۷۸). **بن‌بست‌های جامعه‌شناسی**. چ ۱. تهران: نشر بیستون.

- خاتمی، احمد. (۱۳۸۷). «بررسی آداب پیوند زناشویی و امور خانواده در شاهنامه فردوسی». *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. سال ۴. ش ۱۵. صص ۳۲۰-۳۰۳.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۳). *یادداشت‌های شاهنامه (بخش یکم)*. چ ۳. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- رابرتسون، ایان. (۱۳۷۷). *درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادین)*. ترجمه حسین بهروان. چ ۳. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. شرکت به‌نشر.
- رضاقلی، علی. (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی خودکامگی (تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش)*. چ ۲. تهران: نشر نی.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۷۲). *زمینه فرهنگ‌شناسی*. چ ۳. تهران: انتشارات عطار.
- سعادت، مصطفی. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر داستان زال*. چ ۱. شیراز: انتشارات نوید.
- صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۸۶). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*. چ ۱. تهران: ققنوس.
- غفاری، زهرا. (۱۳۸۹). *ساسانیان و آداب و رسوم دربار انوشیروان با تکیه بر شاهنامه فردوسی*. چ ۱. مشهد: انتشارات سخن گستر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *شاهنامه* (۸ جلد). تصحیح جلال خالقی مطلق. چ ۱. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۹). *انسان‌شناسی شهری*. چ ۶. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. چ ۹. تهران: نشر نی.
- گوردون، مارشال. (۱۳۸۸). *فرهنگ جامعه‌شناسی*. ترجمه حمیرا مشیرزاده. چ ۱. تهران: نشر میزان.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۹۳). *مقدمات جامعه‌شناسی*. چ ۲۹. تهران: نشر دوران.
- مختاری، محمد. (۱۳۷۹). *اسطوره زال (تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی)*. چ ۲. تهران: انتشارات توس.

موریس، بلاک. (۱۳۸۹). *انسان‌شناختی در آزمون میدان پژوهش به ضمیمه تأملات فرهنگی*. ترجمه ناصر فکوهی. چ ۱. تهران: نشر نی.

هوشمند، مهرداد. (۱۳۸۹). *فرهنگ جامعه‌شناسی (انگلیسی - فارسی)*. چ ۱. تهران: نشر آوای نور.

